

بازخوانی نقش هویت اجتماعی در ساخت فضای جمعی (نمونه مورد مطالعه: میدان نقش جهان اصفهان به مثابه فضای جمعی عصر صفوی)*

بابک برخوردار

دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، ایران.

لیلا زارع**

استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب، ایران.

مصطفی مختاباد امرئی

استاد گروه هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

چکیده معماری فضاهای جمعی هر تمدن از جمله مباحث مهم در تعیین هویت اجتماعی آن عصر است و تاریخ اجتماعی زمینه‌های هدایت‌گر در شکل‌گیری و موفقیت این فضاهاست. برای بازیابی هویت از دست‌رفته اقوام با توجه به حفظ تسلسل هویت تاریخی، می‌توان به گذشته رجوع کرده و خوانشی مجدد از نشانه‌ها و معانی نهفته در کالبد داشت. در دوره صفوی علی‌رغم استفاده از قوه قهریه و تصرف در اموال عمومی در روند احداث میدان نقش جهان، حکومت توانست توازنی میان هویت اجتماعی و فضای جمعی ایجاد کند که آثار آن تا به امروز باقی است. این مقاله در پی یافتن چگونگی اثرگذاری حکومت صفوی در استحاله معنای فضا و ایجاد هویت اجتماعی فضاهای جمعی است. به عبارت دیگر، پرسش از چگونگی ساخت هویت اجتماعی ویژه عصر صفوی و نقش آن در ساخت فضای جمعی، مطلوب این پژوهش بوده است. پژوهش حاضر براساس مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای از روش پژوهش تاریخ اجتماعی، به تأثیرات گرایش‌های اجتماعی در معماری می‌پردازد و در این راه تحلیل‌های نظری خود را بر میدان نقش جهان اصفهان، به عنوان فضای جمعی شاخص آن عصر معطوف کرده است. به این منظور پس از معرفی بن‌مایه فکری حکومت صفوی، نتایج اجتماعی حاصل از این اندیشه‌ها و اثرات آن بر ظرف معماری فضای جمعی و مقبولیت اجتماعی آن در این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحقیق بر این فرض استوار است که اقداماتی که از لحاظ سیاسی و فرهنگی در جهت ایجاد یکپارچگی دینی و فرهنگی انجام شده، بیشترین تأثیر را در هویت‌بخشی به فضاهای جمعی داشته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در کنار افزایش اقتدار حکومت مرکزی، انتخاب مذهب حاکم بر جامعه نقش بسزایی در ایجاد زمینه‌های نو در بخش‌های مختلف از جمله هنر و معماری داشته است. از طرف دیگر، تعلق به گذشته ایرانی نیز در ایجاد هویت ایرانی جدید اثرگذار بوده است. نتیجه حاصل از این پژوهش روشن ساخت که فضای جمعی عصر صفوی از لحاظ عوامل زمانی شکل‌گیری شامل سه بُعد سیاسی، دینی و سرزمینی و از منظر علت‌ها در رویه اجتماعی شامل سه بخش نظام‌مند کالبدی و فضایی و ساخت است و این عوامل منجر شد که فضاهای جمعی این دوران واجد ویژگی‌های منحصربه‌فردی شود که جز در نگاه حاکمان، رفته‌رفته از دید مخاطبان فضا نیز مشروعیت و هویتی اجتماعی یافت.

واژگان کلیدی | هویت اجتماعی، صفوی، فضای جمعی، تاریخ اجتماعی، میدان نقش جهان.

است. در حقیقت این دستاورد به سبب اعتباربخشی به نیاز ذاتی انسان در برقراری رابطه با سایر افراد، کنش اجتماعی و در نتیجه آن ضرورت فراهم‌آوری موقعیت‌ها و امکانات فضایی برای برقراری مجموعه‌ای از روابط اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف در شهر اهمیت یافته‌است (طالبی، ۱۳۸۳، ۱۶۲). در این میان تجربه تاریخی مدیریت شهری نسبت به ساخت فضاهای جمعی و ایجاد کیفیت فضایی مطلوب شهروندان، از مهم‌ترین چالش‌های ایران معاصر بوده است. مسئله‌ای که در بیشتر نمونه‌ها (مانند تجربه میدان امام حسین (ع) تهران) نه تنها با گذر زمان به ایجاد فضای جمعی مطلوب منتهی نشده است، بلکه موجبات نارضایتی عمومی را نیز فراهم آورده است. لذا یافتن مسیر یا فرایند طراحی فضای جمعی موفق به یکی از اساسی‌ترین دغدغه‌های جامعه متخصصین و مدیران در جهت ساماندهی و ساخت شهرهای انسان‌مدار بدل شده است. با مراجعه به شیوه بازخوانی الگوها و نمونه‌های تاریخی موفق - به‌عنوان یکی از روش‌های رایج در طراحی معماری، منظر و طراحی شهری - و مرور تفوق عصر صفوی در ارائه دستاوردهای معماری و فرهنگی شاخص در تاریخ ایران، می‌توان نسبت به دستیابی به فرایندهای طراحی فضای جمعی موفق و به‌کار بستن آن در ایران معاصر امیدوار بود. از این رو به‌منظور خوانش نموده‌های پیشرفت و توسعه عصر صفوی در فرهنگ عمومی و معماری، «میدان نقش جهان اصفهان» به‌عنوان شناخته‌شده‌ترین فضای جمعی این عصر (به جهت کثرت منابع تاریخی) مورد مطالعه قرار گرفت. صورت‌بندی فضای جمعی در قالب محاصره کالبد معماری در این میدان که آن را به نمونه‌ای قابل بررسی در سیر تطور فضاهای جمعی در ایران بدل کرده، متأثر از تغییرات کلان در سیاست‌های حکومتی بوده و نشانه‌های مستقیم و ضمنی این تغییر رویکرد را در ساخت هویت اجتماعی مرتبط با آن نشان می‌دهد. این میدان اگرچه به‌عنوان میدانی حکومتی و دستوری شناخته می‌شد، به مرور و از همان دوران صفویه تا به امروز نقش فضای عمومی را نیز ایفا کرده و مورد استفاده مردم عادی کوچه و بازار نیز قرار گرفته است. هدف اصلی این تحقیق فهم ارتباط میان تأثیر هویت اجتماعی متعین عصر صفوی - به‌مثابه دورانی مهم در تاریخ فرهنگ و معماری ایران - بر ساخت میدان نقش جهان اصفهان به‌مثابه فضای جمعی شاخص عصر صفوی، با تصمیمات حکومتی و تثبیت فضاهای جمعی پاسخگو به نیازهای اجتماعی و فرهنگی دوره صفوی به‌منظور شناخت بازیگران و مؤلفه‌های مؤثر در بازتولید فضاهای جمعی در عصر حاضر است.

پرسش پژوهش

سؤال اصلی این پژوهش، بدین شرح تبیین گردید که:

مقدمه آنچه امروز به‌عنوان معماری دوره صفوی می‌شناسیم، همچون سایر دوره‌های تاریخی تحت تأثیر تصمیمات کلان حکومتی بوده است و به وقت لزوم با استفاده از قوه قهریه، تحقق آن را میسر کرده‌اند. حکومت صفوی به‌عنوان اولین حکومتی که یکپارچه بر ایران پس از اسلام مسلط شد، بیش از اسلام خود به لزوم ساخت هویت جمعی و ملی همت گمارد. اولین اقدام مهم صفویان در این مسیر رسمی کردن مذهب تشیع در ایران بود که موجب تحول مهمی در ادامه تاریخ سیاسی، اقتصادی و مهم‌تر از همه فرهنگی این سرزمین شد. از این جهت این دولت بین حکومت‌های تاریخ ایران خصوصاً حکومت‌های پیش از خود متمایز است (شایسته فر، ۱۳۸۴، ۴۵). از سوی دیگر شاه اسماعیل تلاش کرد تا در کنار ساختن جایگاهی باستانی به‌عنوان شاهنشاه برای خود و تأکید بر استقلال و تمایز کامل از دولت عثمانی، هویت جدیدی برای تاریخ و فرهنگ ایران تعریف کند. صفویان با تغییر در ساختار سیاسی، نظامی، اقتصادی و مذهبی در ایران به توسعه و پیشرفت مهمی در اعتلای فرهنگی - از جمله معماری - دست یافتند. این اعتلا با ظهور شاه‌عباس اول تجلی بیشتری یافت و عصر زرین معماری صفوی به مرکزیت اصفهان رقم خورد (متولی، حسن‌بیگی و حسین‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۶).

به سبب این وجه معرفه و دوام می‌توان گفت که دستاوردهای هنری، فرهنگی و آثار کالبدی هر دوره یکی از شناسه‌ها و معرف نظام معرفتی و سیاسی دوره‌ها و حکومت‌ها به‌شمار می‌رود. از این رو دولت‌ها در پی شناساندن دستاوردهای تاریخی و فرهنگی دوران زمامداری خود به هم‌عصران و آیندگان هستند. معماری هر دوره نیز کمابیش معرف هویت مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و یا حتی سیاسی آن عصر و از جهات مختلف قابل مطالعه است.

بیان مسئله

شکل‌گیری بسیاری از انواع فضاهای معماری به‌ویژه فضاهای جمعی و آیینی، افزون بر عوامل مادی مانند محیط، مصالح و تکنولوژی ساخت، تحت تأثیر عوامل فرهنگی و هویتی نیز بوده است و می‌توان ادعا کرد که اثر معماری پدیده‌ای صرفاً بیرونی و عینی مثل برخی پدیده‌های مادی نیست، بلکه جنبه‌ای ذهنی و ادراکی نیز دارد. همین نکته سبب شده است معماری پس از گذشت دوران نیز بتواند رسانه‌ای برای توسعه فرهنگ جوامع انسانی باشد.

با درک اهمیت دستاوردهای معماری، فرهنگی و هنری برای حکومت‌ها در طول تاریخ و تغییر گفتمان ارزیابی شهرها در مؤلفه‌های اجتماع‌پذیری و مقبولیت عمومی در قیاس با یکدیگر، ساخت فضاهای جمعی موفق نشانه توانایی حکومت‌ها در برقراری دیالوگ متقابل با جوامع و کنترل نیروهای اجتماعی

فضای جمعی و ایجاد هویت جمعی، خاطره‌انگیزی فضا را عامل تفوق آن در ایجاد هویت و پاسخگویی می‌دانند. از آن جمله می‌توان به مقاله «بازشناسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خاطره جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی» (ترکاشوند، جهانبخش و کریمی نژاد، ۱۳۹۶)، با بررسی مفهوم خاطره‌انگیزی فضا در شکل‌گیری هویت جمعی با مطالعه موردی پل‌های تاریخی لنگرود به این نتیجه رسیده است که باید برنامه‌ریزی کالبدی محدوده پل‌های تاریخی از راه تقویت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و معنابخشیدن به شهر انجام پذیرد.

همچنین در مقاله «واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی (نمونه موردی میدان حسن آباد)» (حسنی میان‌رودی، ماجدی، سعیده زرآبادی و زیاری، ۱۳۹۶)، نویسندگان ضمن اولویت‌دهی به مفهوم خاطره جمعی به‌عنوان عامل اصلی کیفیت فضای شهری، به کشف مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس خاطره جمعی و ارائه الگوی مفهومی نشانه‌شناختی مستتر در فضاهای شهری می‌پردازند و رعایت این الگوی نشانه‌ای (رمزگانی) را عامل ایجاد درک مشترک عموم از فضای جمعی و تفوق فضا می‌دانند.

دسته دیگر از این پژوهش‌ها ضمن توجه به مسائل معنایی، یک گام فراتر نهاده و موضوع فعالیت و عملکرد فضا را در قالب جلب مشارکت اجتماعی عامل تولید این هویت دانسته‌اند. به‌عنوان مثال در مقاله «پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان)» (ترکمان، قائد و شمتوب، ۱۳۹۶)، نویسندگان به بررسی نقش پارامترهای مختلف در ساخت فضای عمومی شهری به مطالعه آماری پرداخته و به این نتیجه دست یافته‌اند که عوامل محیطی، اجتماعی و کالبدی از تأثیرگذاری خوبی بر فضای پاتوق برخوردار هستند. همچنین توجه به عوامل اقلیمی-ولو سطحی- در این بررسی موضوع قابل توجهی است که عمدتاً در ذیل عوامل دیگر حل شده است. همچنین در مقاله «نقش فضاهای شهری در بروز تعاملات اجتماعی با رویکرد هویت جمعی» (منافلویان و ستارزاده، ۱۳۹۳)، نویسندگان ضمن بررسی انواع فضای جمعی و عملکرد آنها در ساختار شهری به نقش مشارکت اجتماعی در اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی تأکید کرده‌اند و افزایش تعاملات اجتماعی را ضامن افزایش حس تعلق به این مکان می‌دانند.

حبیبی و سید برنجی (۱۳۹۵) در مقاله «رابطه بین خاطره‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت»، ضمن طرح مسئله فقدان هویت مکانی در فضاهای شهری، خاطره‌انگیزی را عامل ایجاد این هویت می‌دانند و مشارکت اجتماعی را به‌عنوان

علی‌رغم خوانش وجوه آمرانه و رویکرد اقتدارگرایانه حاکمان صفوی در طرح‌اندازی و ساخت میدان نقش جهان، چگونه این میدان به نماینده‌ای از هویت اجتماعی دوران خود تبدیل شده و امروزه به‌عنوان یکی از موفق‌ترین فضاهای جمعی شهری در ایران شناخته می‌شود؟

همچنین سؤال فرعی این پژوهش متعاقب سؤال اصلی این‌گونه طرح می‌شود که: چگونه می‌توان با خوانش عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضای جمعی موفق دوران گذشته و با در نظرگیری ارتباطات و تسلسل تاریخی به‌جامانده در هویت ایرانی-اسلامی قرون حاضر به بازتولید فضاهای جمعی منطبق بر هویت اجتماعی عصر خود همت گمارد؟

فرضیه پژوهش

فرض این تحقیق بر این است که: علی‌رغم اقتدارگرایی حاکم در احداث میدان نقش جهان، حکومت صفوی با ساخت هویت اجتماعی منبعث از مؤلفه‌های تاریخی، مذهبی و اقتصادی زمان خود و امتزاج آن با فضای معماری عمومی، گونه‌ای از فضاهای جمعی را شکل داد که به سبب ارتباط ساختاری با این هویت جدید، به مرور علاوه بر یک میدان حکومتی به فضایی جمعی-درمعنای امروزی آن- تبدیل شد.

روش تحقیق

این تحقیق، از لحاظ کیفی با رویکرد تاریخ اجتماعی که شاخه‌ای فرعی از جامعه‌شناسی معماری است، تحلیل شده است. تاریخ اجتماعی، روشی کیفی و یکی از گرایش‌های تاریخ است که حوزه وسیعی از جلوه‌های مختلف زندگی و فرهنگ انسان گذشته را بررسی می‌کند و به مطالعه ساختار فرایند و برابند کنش آدمی می‌پردازد (زندیه، ۱۳۹۰). مطالعه به روش تاریخ اجتماعی امکان بازمفصل‌بندی روابط اعضای جامعه را فراهم می‌کند. در این مقاله با استفاده از این روش رویکردهای فکری اجتماع در پی رویدادها و نتایج آن در دوره‌ای خاص بر کالبد معماری بررسی می‌شود و سعی بر آن است تا با عبور از صورت ظاهری پدیده‌ها، ساختارها و مکانیسم‌های زیربنایی مولد آن‌ها شناسایی شود. اطلاعات در این تحقیق، به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

پیشینه پژوهش

توجه به بازخوانی عوامل موفق فضای جمعی تاریخی در شهرهای ایران با رویکرد هویت اجتماعی و با هدف ارائه مدل و الگویی برای بازآفرینی این‌گونه فضاها، موضوعی است که کمتر در پژوهش‌های حوزه معماری و شهرسازی مورد توجه قرار گرفته است. در نزدیکترین تجربه‌ها به این موضوع دسته‌ای از پژوهش‌ها ضمن اصالت‌بخشی به معنا در ارزش‌گذاری

متفاوت است که آنان به یک هویت اجتماعی معرف وضعیت به خصوص خود در جامعه، دست می‌یابند (Turner, 1999, 9). مارک ون وگت و کلام هرت (Vugt & Hart, 2004) نیز با اجرای یک مطالعه آزمایشی شامل سه آزمایش مجزا نشان می‌دهند که هویت اجتماعی چگونه باعث باقی ماندن افراد در گروه می‌شوند و به دلیل ایجاد وفاداری نسبت به گروه، آن را عامل پیونددهنده اجتماعی تلقی می‌کنند.

بررسی هویت اجتماعی و ارتباط آن با مسئله حضور و پیوند اجتماعی، تأمل در امکان تحقق این هویت را به میان می‌آورد. امری که در نگاه اول این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که به تبع نسبی بودن هویت اجتماعی و تأثیرپذیری آن از شرایط شکل‌گیری روابط، احتمالاً از بستر مکانی شکل‌گیری این هویت نیز انجام خواهد پذیرفت.

• زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری فضاهای جمعی

اجتماعی بودن در فطرت هر انسانی است و مناسبات اجتماعی در جامعه به واسطه آن صورت می‌پذیرد. این مهم هنگامی ایجاد می‌شود که اشخاص خصوصی در کنار هم جمع شوند و به گفتمان و مکالمه با یکدیگر بپردازند. در میان تجلی افکار عمومی، عرصه عمومی حیات می‌یابد و با گذر زمان، خاطرات جمعی شکل می‌گیرد و مکان معنا می‌یابد (باقری بهشتی، ۱۳۸۵).

اگر بخواهیم اصالتی برای معماری قائل شویم و یا آن را به‌عنوان هنری بدانیم که توانسته در طول قرن‌ها گه‌گاه مناسبت‌ها و انگیزه‌هایی را برای دورنگری انسان‌ها فراهم آورد، می‌توانیم به «قالب‌های مکانی» برای برگزاری روابط فردی و جمعی شهروندان تکیه کنیم (فلامکی، ۱۳۹۲، ۶۳). گویی انسان‌های یکجانشین و سازمان‌یافته همیشه به فضایی باز و همگانی نیاز داشته‌اند تا در آن صحنه، خواسته‌های اجتماعی و میان‌فردی خود را عنوان کنند و اندیشه‌ها، هنرها و فرهنگ خود را در جمع بیازمایند و به دادوستد فرآورده‌های خود و دیگران بپردازند (همان، ۶۵). تقویت حس باهم‌بودن از طریق ایجاد انواعی از فضاهای عمومی امکان‌پذیر است. برای مثال: فضایی که مردم در آن بتوانند فعالیت‌های عملکردی و آیینی را که منجر به پیوند بینشان می‌شود، انجام دهند یا فضایی برای حضور مسالمت‌آمیز غریبه‌ها در کنار دیگران و برقراری ارتباطات غیرشخصی با آنان، از این دست به حساب می‌آیند. تقویت فضای عمومی به‌عنوان نقطه گردهمایی مجدد افرادی که از هم جدا افتاده‌اند به‌خوبی بر اهمیت «باهم‌بودن» تأکید دارد (مدنی پور، ۱۳۹۲، ۲۴۷-۲۴۶).

مطالعات تحقیقی و تجارب جهانی نشان می‌دهند که فضاهای جمعی شهرها محملی برای بروز ارزش‌های فرهنگی و بستری برای تعاملات اجتماعی و عرصه‌ای برای هویت‌سازی و هویت‌پذیری شهروندی به‌شمار می‌آیند که باید در ابعاد

راه‌حل بازگشت عامل خاطره‌انگیزی و هویت مکانی مطرح می‌کنند. در عمده تجربه‌های اشاره‌شده، با الویت‌بخشی به مؤلفه معنا به بررسی زیرمؤلفه‌های آن در تفوق یک فضای جمعی به‌عنوان نمونه موردی می‌پردازند و در تعمیق آن به نقش مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی نیز اشاره می‌کنند. پژوهش پیش رو ضمن فهم لزوم مطالعه تاریخ اجتماعی در تحلیل تفوق فضای جمعی، به کنکاش نقش تأثیر عامل زمان و علل اجتماعی در ساخت معنایی و معماری فضای جمعی می‌پردازد، به‌گونه‌ای که ضمن تحلیل نمونه مورد مطالعه امکان استخراج الگوی بازتولید آن وجود داشته باشد.

مبانی نظری تحقیق

• هویت اجتماعی

مطالعات زیادی با موضوع هویت اجتماعی در سطح جهان صورت گرفته است. در اینجا به‌عنوان پشتوانه تجربی پژوهش حاضر، به برخی از این پژوهش‌ها که انجام شده‌اند اشاره می‌شود. اساساً هویت اجتماعی مقوله‌ای در چارچوب هویت است. این نظریه توسط ریچارد جنکینز مطرح و تحت تأثیر اندیشه هربرت مید پرورش یافت.

ریچارد جنکینز در کتاب هویت اجتماعی بیان می‌کند: «هویت اجتماعی تعبیری است که فرد از خود در رابطه با دیگران می‌کند و براساس عضویت در رده‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی شکل می‌گیرد. هویت افراد وابسته به برداشت دیگران است و شناسایی دیگران لازمه تثبیت هویت است. در معنای اصلی هویت، تشابه و تمایز مطلق است» (جنکینز، ۱۳۸۱، ۴۵). از دیدگاه هربرت مید، هویت اجتماعی عبارت است از دریافت ما از این‌که چه کسی هستیم؟ دیگران چه کسی هستند؟ و مردم چه فهمی از خودشان و دیگران دارند؟ بنابراین هویت اجتماعی حاصل توقعات و عدم توقعات است (همان، ۱۵).

از دیدگاه هنری تاجفل و آنتونی گیدنز، بسیاری از تئوری‌های هویت اجتماعی با ارتباطات درون‌گروهی سروکار دارند، به‌گونه‌ای که خود را به‌عنوان عضو یک گروه یا طبقه در مقایسه با سایرین بیرون گروه مشاهده می‌کنند. از آنجاکه هویت اجتماعی شکل واحدی نداشته و قابلیت تغییر دارد و به فراخور منابع استفاده‌شده در ساختن هویت شکل می‌گیرد، لذا «در نظریه هویت اجتماعی نیز هویت‌ها به‌صورت نسبی در نظر گرفته می‌شوند، زیرا هویت‌ها در یک سلسله‌مراتب، سازمان داده می‌شوند که می‌توان آن را به سه رده بالادستی، میانی و فرودست تقسیم کرد» (Stets & Burke, 2000). همچنین تاجفل، هویت اجتماعی را به آگاهی فرد از تعلق به گروه اجتماعی معین و ارزش و اهمیت عاطفی این عضویت برای فرد می‌داند، در نتیجه بنا بر تعلق افراد به گروه‌های

تکیه بر سه محور اصلی وحدت دینی، وحدت سیاسی و وحدت سرزمینی حاصل آمد:

۱. محور اول ایجاد وحدت دینی بود که با انتخاب تشیع به عنوان مذهب اصلی حاصل شد. به همین منظور صفویه به شجره سازی روی آورد تا بتواند به گونه ای مقبولیت و مشروعیت اجتماعی خود را در بین مردم تثبیت کند (توبه یانی و الویری، ۱۳۹۶). تا به واسطه آن اتحاد حکومت و دین جهت کاستن از نفوذ امپراتوری سنی مذهب عثمانی ایجاد شده و به واسطه یکپارچگی متکی بر مذهب، اجتماع ایرانی مستحکم گذشته دوباره قوت گیرد.

۲. محور دوم ایجاد تغییرات سیاسی و بازگشت به نظام فدراتیو شاهنشاهی جهت رونق بخشی به اقتصاد برای جذب و تسلط بر منابع مالی و نیز ایجاد اتحاد استراتژیک با دولت های تازه به قدرت رسیده اروپایی بود تا بتوانند با خطر حمله و تسلط ترکان و ازبکان مقابله کنند.

۳. وحدت سرزمینی محور سوم رویکرد ایدئولوژیک صفویان است که در آن سعی بر بازسازی فرهنگ کهن با چاشنی مذهب شیعی در اجتماع بود. آنان با احیای آداب و رسوم و برپایی جشن های باستانی، ضمن ایجاد خاطره جمعی توانستند علاقه به موطن را ریشه دار و نظام طبقاتی و تقسیم اجتماعی گذشته را دوباره برپا کنند (حافظ نیا و ولی قلی زاده، ۱۳۸۶). با شکل گیری این هویت و به واسطه ارتباط تاریخی دین و حکومت و رابطه تنگاتنگ آن در قرون گذشته، ضروری می نمود تا حکومت صفوی با ایجاد پیوستگی فضاهای مذهبی و حکومتی، در تعریف خود در برابر عموم، لباس اسلام بر تن کرده و فضاها نیز وجه مذهبی خود را حفظ کنند. از این رو لازم بود تا فضاهای مذهبی با فضاهای حکومتی همراه شده و پیوستگی با آنها را به نمایش گذارند.

از سوی دیگر ساخت و دوام چنین فضاهایی در شهر، به حضور مردم نیز نیاز دارد. امری که در گام اول با جذب پیروان محورهای سه گانه تثبیت قدرت صفوی (دین، قدرت، گذشته ملی) و در گام دوم با ایجاد حس تعلق اجتماعی از طریق افزایش میزان مشارکت و حضور مردم در جامعه حاصل شد. از آنجا که این حس تعلق و مشارکت خود در گرو بهبود و رونق بخشی به شرایط اقتصادی و ایجاد ارتباط با نهادهای اجتماعی و در نتیجه ایجاد روابط حسنه میان مردم و حکمرانان است، ضرورت ساخت و پیرایش به فضاهای عمومی برای تأمین نیازهای اقتصادی، کارکردی و فرهنگی عمومی روشن می نماید. در سابقه تاریخی شهرهای ایران، این نیاز در ساخت بازار در نقش یک فضای جمعی خودنمایی می کند. لذا الحاق بازار به الزامات گفته شده قبلی، در واقع افزودن قابلیت بالقوه اجتماعی به یک مجموعه است که ارتباط حکومت، دین و مردم را ممکن می کند.

کالبدی، مورد ارزیابی و بهبود قرار گیرند (محمودی نژاد، ۱۳۸۸، ۱۵۰). در جمع بندی ویژگی درهم تنیده روابط اجتماعی و فضاهای شهری می توان گفت فضای عمومی، محل تبلور زندگی جمعی، رایگان و متعلق به شهروندان است که تقابل و تعاملات اجتماعی در آن صورت می پذیرد و شامل سه بُعد سکونت، کار و زندگی اجتماعی است (برخوردار، زارع و مختاباد امرئی، ۱۳۹۹، ۱۹). در دیدگاه راپاپورت، احتمال دگرگونی کامل هویتی و بی ارتباط بودن فضای جمعی امروز و گذشته یک جامعه دور از ذهن به نظر می رسد و از این رو خاستگاه اجتماعی و فرهنگی جامعه در طول تاریخ با بقاء و به کارگیری دوباره نمادها و ارزش های اجتماعی و یا تغییر در شکل و معنا روبرو بوده و خواهد بود. بنابراین می توان گفت فضاهای جمعی امروزی ضمن بیان ارزش های خاص فرهنگ اجتماعی جاری، خود تابعی از تسلسل تاریخی است. از این رو بررسی این گونه فضاها از دو منظر زمان و علل اجتماعی شکل گیری اهمیت می یابند (راپاپورت، ۱۳۸۸، ۷۲). از منظر زمان شکل گیری فضای جمعی، مشخصات زمانی هر عصر به معانی مورد نیاز و میراث های فرهنگی متأثر از آن وابسته است (عوامل اولیه)، و از منظر علل شکل گیری فضاهای جمعی، کنش ها و فعالیت های اجتماعی-اقتصادی که از وجه نیازهای جامعه دریافت می شود بر شکل کالبدی فضا اثر دارد (علل ثانویه).

فضای جمعی در ایدئولوژی عصر صفوی، بررسی فضای جمعی صفوی از منظر زمان شکل گیری

در تاریخ ایران پس از اسلام، ظهور سلسله صفویه یک نقطه عطف است؛ زیرا پس از قرن ها، ایران توانست با دستیابی مجدد به هویت ملی، به کشوری قدرتمند و مستقل در شرق اسلامی تبدیل شود. از مؤلفه های مهم و سازنده تاریخ اجتماعی ایرانیان عصر صفوی، دین اسلام و باورهای شیعی آنها بوده است. جامعه شناسان نیز به نقش و کارکرد دین در ایجاد همبستگی اجتماعی توجه کرده و آن را شیرازه نیرومند و سنگ بنای سامان اجتماعی دانسته اند که افراد جامعه را با کیش و نظام عقیدتی مشترکی به یکدیگر پیوند می دهد (نیکزاد طهرانی و حمزه، ۱۳۹۵).

حکومتی که صفویان در اوایل قرن دهم هجری برپا کردند یک حکومت مذهبی و بر پایه تشیع بود که بیش از دو قرن به طول انجامید. با تأسیس این حکومت مقطع جدیدی در تاریخ ایران گشوده شد؛ زمانه ای که ایرانیان برای بازسازی هویت خود به تکاپو افتادند. دستاوردهای صفویان در همه حوزه ها، تأثیرات طولانی مدتی از خود به جای گذاشت که بعضاً تا عصر حاضر نیز ادامه دارند (اندیشه، ۱۳۹۵). در حقیقت شرایط زمانی مؤثر بر شکل گیری فضای جمعی عصر صفوی متناسب با عوامل کسب و تثبیت قدرت صفویان متأثر از جهان بینی شیعی و با

شامل دو بخش کلی اقلیم و فرم‌های گزینش شده است. «اگر معماری ایرانی بر روی چند پایه اصلی قرار گیرد، یکی از آن‌ها اقلیم و پاسخ‌های معماری-اقلیمی است. ایرانیان در طول تاریخ چند هزارساله معماری این سرزمین سعی کرده بودند تا با تدابیر گوناگون، در کنار طبیعت پیرامون خود محیطی را به‌وجود آورند که در هر فصل و در هر ساعت از روز بتوانند آسایش نسبی را با توجه به زمان بهره‌گیری از فضای موردنظر داشته باشند» (معماریان، ۱۳۹۲، ۳۹). اندیشیدن به فرم‌های معماری و هماهنگ‌نمودن آن‌ها با اقلیم منطقه در طول چند هزار سال پاسخگویی مطلوب به شرایط اقلیمی، سبب پدیدآمدن فرم‌هایی با کارکردی هماهنگ با اقلیم شده و استفاده مکرر از این فرم‌ها ضمن ایجاد ارتباط با استفاده‌کنندگان بر سلیقه و معیار زیبایی آنان مؤثر واقع شده است.

بررسی تاریخ اجتماعی ساخت فضاهای جمعی صفوی متناسب با اقلیم گرم و خشک فلات مرکزی ایران نشان می‌دهد معماری شهر اصفهان در دوره صفوی کاملاً منطبق بر اقلیم و شرایط محیطی آن‌ها بوده و معمولاً جهت حفاظت خانه‌ها، بازار، مساجد و فضاهای عمومی کلیه فضاها، بسیار متراکم و بهم‌فشرده بوده و از ورود بادهای نامطلوب و تابش مستقیم خورشید جلوگیری می‌کردند، در کنار این موضوع در صورت نیاز به گشودگی فضایی (میدان، حیاط، خیابان و باغ) با استفاده از عناصر معماری سایه‌انداز (مانند طاق‌نما)، آب و درخت به تأمین آسایش اقلیمی اقدام می‌کردند. همچنین بافت معابر در شهر اصفهان نیز همچون سایر عناصر کالبدی به منطقی‌ترین شکل متأثر از عوامل محیطی به‌ویژه اقلیم بوده‌اند (علم‌الهدایی، ۱۳۹۶، ۱۲).

– **ساختار فضایی:** به‌عنوان محل پاسخگویی به نیازهای فضایی متناسب با کاربری مورد نیاز و شیوه‌های طراحی معماری پذیرفته شده، به‌عنوان محل پاسخ‌دهی به نیازهای اجتماعی و زیستی شکل می‌گیرد. در واقع ساختار فضایی شهر از یک ستون فقرات و شبکه‌ای به‌هم‌پیوسته از کاربری‌های مورد نیاز شهری تشکیل یافته است (مختارزاده، قلعه‌نویی و خیرالدین، ۱۳۹۷، ۷۲) و متناسب با شیوه‌های طراحی پاسخ مناسب دریافت می‌کند.

در بررسی تغییر ساختار شهری اصفهان می‌توان ایجاد محور تفرجگاهی چهارباغ، ایجاد میدان نقش جهان و اتصال آن به میدان کهنه توسط راسته بازار در کنار ساخت پل‌ها، باغات و محلات جدید در جنوب رودخانه زاینده‌رود را از مهمترین اقدامات این دوران در ساخت و انتظام فضاهای شهری دانست. به این ترتیب به اتکای یک طرح توسعه شهری بزرگ در عهد صفوی، در شهر اصفهان یک سازمان فضایی و کالبدی یادمانی و محوریت تشریفاتی ایجادشده که تا به امروز نیز ارزش‌های

این ارتباط با سرمایه‌گذاری بر ویژگی‌های فرهنگی ایرانی چون مراسم باستانی و مذهبی و جشن‌های ملی و نیز تقویت فعالیت‌های عمومی از قبیل بازار محلی، حضور عموم در فضای مفروض جمعی در عصر صفوی تقویت یافت و در نتیجه عواملی چون:

– تأکید بر نقش مذهب در فضای جمعی به‌عنوان شاخصه اصلی نظام صفوی؛

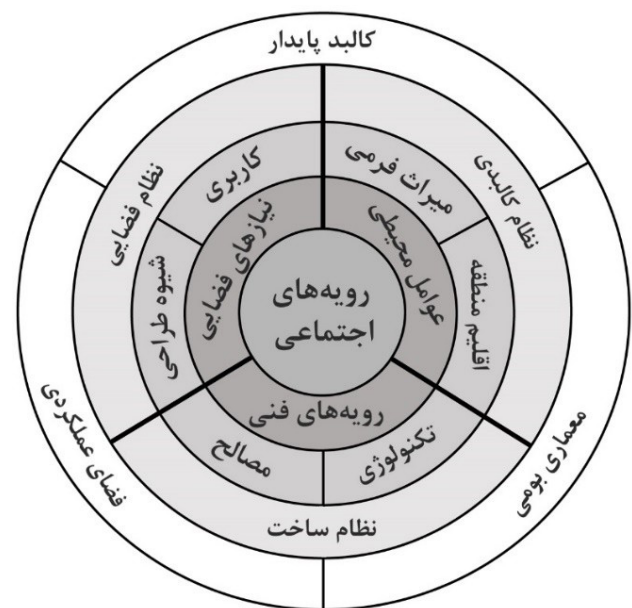
– حضور عنصر حکومتی در فضای جمعی به قصد نمایش اقتدار و نظارت حاکمیت؛

– افزودن عنصر بازار به‌عنوان ضامن ایجاد ارتباط مردم با دو مؤلفه حکومت و مذهب، به‌مثابه حضور کالبدی سه مؤلفه ساخت هویت اجتماعی صفوی، فضا دارای مقبولیت اجتماعی شد.

فضای جمعی و رویکردهای اجتماعی (علل ثانویه)؛ بررسی فضای جمعی صفوی از منظر علل شکل‌گیری

علاوه بر عوامل اولیه شکل‌گیری فضای جمعی که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان معنای زمان‌مند مستخرج از فضای جمعی و مؤثر بر آن دانست، مجموعه عوامل ثانویه‌ای نیز به‌عنوان علت‌ها و رویکردهای اجتماعی-اقتصادی و فناورانه در نظام‌بخشی به فضا مؤثر است. این عوامل ثانویه گزینه‌هایی چون شیوه طراحی و ساخت و شرایط اقلیمی و انباشت تاریخی فرم‌ها و تکنولوژی و مصالح قابل‌دسترس را شامل می‌شود. این عوامل را می‌توان به سه دسته: نظام کالبدی، نظام فضایی و نظام ساخت تقسیم کرد (تصویر ۱):

– **نظام کالبدی:** که خود وام‌گیرنده از شرایط محیطی است



تصویر ۱. نظام‌های شکل‌دهنده و نتایج رویه‌های اجتماعی (عوامل ثانویه) مأخذ: نگارندگان.

در ساخت مجموعه کاخ‌ها، محوطه میدان نقش جهان و باغ‌های شاهی، و مرحله دوم به‌منظور «نمایش شکوه و قدرت» در ساخت مسجد شاه و تکمیل میدان نقش جهان تجسم یافته‌است (گدار، ۱۳۷۵).

شاه‌عباس در نتیجه تصمیم به مقر ساختن اصفهان، به وضع بازارهای اصفهان و ساماندهی فعالیت آن‌ها علاقه بسیار فعالانه‌تری نشان می‌داده است. گویی در اصل قصد داشته تا بازارهای واقع در میدان کهنه (هارون ولایت) را نوسازی کند که با بی‌اعتنایی و مخالفت مالکان قدرتمند روبرو شده و بنا به قول جون‌آبادی این مخالفت بود که شاه را به عزم توسعه تجاری کلان میدان نقش جهان به‌عنوان رقیب و جانشین محله بازار کهنه واداشت (مک چسنی، ۱۳۷۷، ۷۳ و ۷۴). افتتاح بازار نو و انگیزه‌دادن به تاجران و محترمان برای انتقال محل کار خود از بازار هارون ولایت، به هیچ‌وجه توفیق بازار نو را تضمین نمی‌کرد. ساخت مسجد شاه از اجزای لازم برای نوسازی تجاری میدان بود، الگوبرداری از نقش مسجد جامع در تفوق بازار کهنه، موجب تصمیم شاه در نشان دادن مسجد در لبه جنوبی میدان شد تا اصفهانیان را وادارد دوباره از محدوده بازار بگذرند (همان، ۸۰).

از این مقطع رقابت میان دو مرکز شهری آغاز و در توسعه فضاهای شهری «شهرسازان عصر صفوی میدان نقش جهان را در مقابل میدان کهنه، بازارهای نو و دورادور میدان را در مقابل بازار قدیمی شهر، مسجد شاه را در مقابل مسجد جامع اصفهان و عمارت عالی‌قاپو را در مقابل کاخ کنار میدان کهنه، احداث نمودند» (شفقی، ۱۳۸۶). موضوعی که با همراهی اراده و خواست شاهانه به تولید هویت اجتماعی جدید بر مبنای ریشه‌های موجود دامن زد (تصاویر ۲ و ۳).

در حقیقت در میدان نقش جهان اصفهان؛ خواست حکومتی، مذهب واحد، عنصر اقتصاد و بازار - به‌عنوان عرصه‌های حضور اجتماعی مردم - با تناسبات صحیح و پاسخ به تقاضای تعاملی عموم همراه شد و گونه‌ای از فضای جمعی را شکل داد که معرف ویژگی‌های هویت جمعی یک عصر است.

بحث

• تاریخ اجتماعی میدان نقش جهان در عصر صفوی؛ کنکاش در علل ساخت هویت اجتماعی فضای جمعی از خلال متون تاریخی

برای اثبات حضور عامل زمان در هویت یکه عصر صفوی و علل شکل‌گیری آن، عوامل مؤثر در ساخت هویت اجتماعی در تاریخ اجتماعی میدان نقش جهان مورد مطالعه قرار گرفت. تاریخ اجتماعی میدان نقش جهان اصفهان به‌عنوان نمونه یک فضای جمعی دارای هویت از خلال تواریخ و سفرنامه‌ها قابل استخراج است. سفرنامه‌نویسان و سیاحان زیادی درباره این

پایدار خود را حفظ کرده است (آزرم، رنجبر، مارتی کازانواس، ۱۳۹۸، ۳۴ و ۳۵).

– **نظام ساخت:** متناسب با اقلیم و منتج از رویه‌های فنی که خود از تکنولوژی ساخت و مصالح نشأت می‌گیرند، شکل یافته است. در این دسته‌بندی نظام ساخت شامل فرایند ساخت، تفکر پیرامون نحوه ساخت و مصالح، تکنیک‌ها و سیستم‌های ساختمانی است (گلابچی و شاهرودی، ۱۳۸۹).

ساده‌شدن طرح‌ها و هندسه به‌کاربرده‌شده در ساخت ساختمان‌ها نسبت به دوران پیشین، استفاده از پیمون در ساخت ابنیه، بهره‌بردن از کاشی هفت رنگ به جای معرق و معقلی، استفاده از فنون متنوع گنبدسازی و افزایش کمیت و سرعت در ساخت آجر، کاشی و سایر مصالح مورد نیاز از مهمترین مواردی است که در نظر استاد پیرنیا از حیث معماری، آرایه و نیارش، نظام ساخت و مصالح معماری ایران این عصر را نسبت به دوران پیش از خود به‌ویژه از حیث حجم ساخت‌وساز در مقیاس شهری متمایز کرد (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۸۵-۲۷۹).

احداث میدان نقش جهان اصفهان؛ از رویکرد اقتدارگرایانه تا ظرف تحقق هویت اجتماعی زمان

در طول دوره صفویه -همچون تمام حکومت‌های پیشین و پسین- استقرار و جایابی حکومت در شهرهای منتخب، همراه با ایجاد تغییراتی در شهر و افزودن اندام‌های شهری -متناسب با قدرت و سرمایه حاکمیت- به آن بوده است. نمونه‌های ساخت‌وساز شهری برخاسته از اراده حکومتی، در تبریز (پایتخت اول صفوی)، قزوین (پایتخت دوم) و اصفهان با همراهی رویکرد اقتدارگرایانه و هویت طلبانه صفوی در شکل‌گیری فضاهای عمومی شهری مشهود است. چنانچه در بسیاری از متون همچون «تاریخ عالم آرای عباسی» ذکر شده است: «مصادره املاک بخش مهمی از برنامه‌های توسعه شاه‌عباس در اصفهان بوده است» (مک چسنی، ۱۳۷۷، ۶۸) و این رویکرد قهرآمیز با تأثیرات منفی اجتماعی نیز همراه بوده است.

در اصفهان صفوی، وظیفه ایجاد اقتدار و هویت نوین حکومت به مجموعه شهری میدان نقش جهان محول شد. میدان نقش جهان در ابتدا با اراده مطلق شاهانه و به‌عنوان میدانی حکومتی احداث گردید و رفته‌رفته با تأمین وجوه زمانی و خاستاری (عوامل اولیه شکل‌گیری) درگرفته‌بردای از طرح میدان کهنه اصفهان، فعالیت‌های عمومی و حضور مردم را نیز پذیرا شد. در نتیجه حامل هر دو بُعد خاستاری و ساختاری (علل ثانویه ناشی از رویکردهای اجتماعی شکل‌گیری فضای جمعی) در ایجاد فضاهای جمعی، در آن محقق گردید.

آندره گدار در بازخوانی انگیزه‌های پروژه‌های صفوی در اصفهان معتقد بود شاه‌عباس دو برنامه عمرانی مختلف داشت که برنامه اول به‌منظور «تلاش برای تأسیس پایتخت پادشاهی»



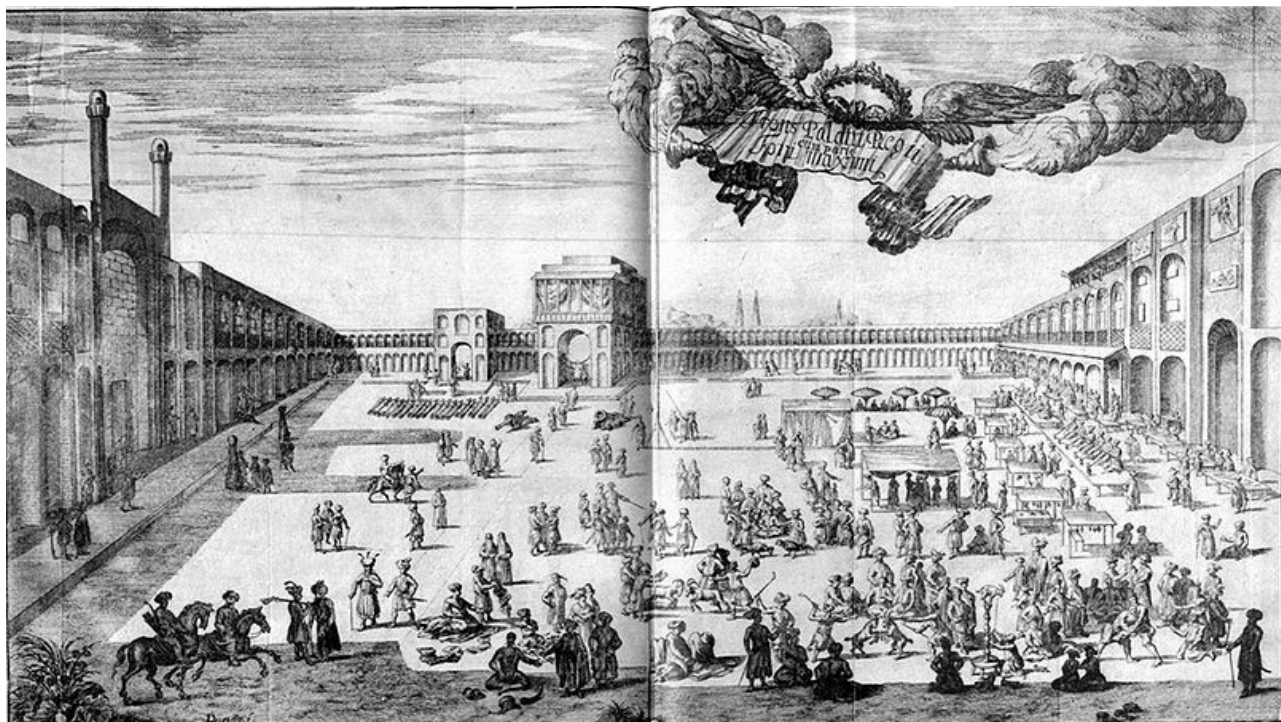
تصویر ۲. راست: میدان کهنه (عتیق). مأخذ: www.nosytourist.com؛ چپ: میدان نقش جهان. مأخذ: www.persiaexpedition.com



تصویر ۳. راست: مسجد جامع اصفهان. مأخذ: www.whc.unesco.org؛ چپ: مسجد شاه (امام). مأخذ: www.persiaexpedition.com

میدان نقش جهان از سه جهت مورد توجه است: اول تعریف و توصیف‌های زیبایی‌شناسانه و کالبدی میدان، دوم نقش حکومتی میدان و سوم کارکرد اجتماعی آن. درباره کارکرد اجتماعی، شاردن به حضور خرده‌فروشان در میدان اشاره می‌کند و این میدان را به لحاظ فرح‌بخشی و آسایش بی‌نظیر می‌خواند. آنچه از توصیفات شاردن در این دوره قابل استنتاج است، وجه اجتماعی میدان نقش جهان است. میدانی که واجد هویتی اجتماعی برای عموم است و طبقات مختلف توان بهره‌برداری از آن را دارند (شاردن، ۱۳۳۵، ۴۵۶). او همچنین از برقراری امنیت برای مال کسبه و دستفروشان توسط مأموران در شب یاد می‌کند (همان). شاردن در ابتدا وضعیت میدان را در زمان شاه‌عباس اول بیان می‌کند که شاه محل فروش هر جنس و اجتماع اصناف مختلف را تعیین کرده است. وی همچنین از حضور پزشکان و داروسازان در قسمت بالایی ایوان ضلع شمالی خبر می‌دهد (اشراقی، ۱۳۷۸، ۱۸۷). این توضیح که اصناف زیادی در امنیت و با پرداخت عواید روزانه، در میدان

میدان گفته و نوشته‌اند. متون تاریخی در مورد تملک زمین میدان نقش جهان سه روایت به‌دست می‌دهند که هر سه مؤید خالی نبودن کامل اراضی احداث میدان و متعلقات آن به‌ویژه زمین مسجد شاه (با تفاوت تعداد و نوع املاک موجود در این روایات) در عین حساب‌شده بودن، انتخاب مکان ساخت این مجموعه است. گزارشات جلال منجم و شاردن در این خصوص نشان می‌دهند که تعارض میان مالکان خصوصی کوچک با برنامه‌های توسعه شاه چه تأثیر شدیدی بر افکار عمومی گذارده بود (مک چسنی، ۱۳۷۷، ۸۱). موضوعی که با خوانش شرح زندگی اجتماعی جاری در میدان از زبان مستشرقینی که در دوران حکمرانی صفویان به ایران سفر کرده‌اند و در سفرنامه‌های خود، شرحی درباره وضع میدان نقش جهان اصفهان و توصیفات از چگونگی حضور مردم در این میدان داشته‌اند، به موضوع حضور هویت اجتماعی و تغییر افکار عمومی پیرامون آن اشاره دارد. به‌عنوان نمونه شرح شاردن از سفر خود به اصفهان درباره



تصویر ۴. ترسیم انگلبرت کمپفر از میدان شاه: در این ترسیم، گردش زنان در میدان بدون ملازم، فروش میوه، استعمال قلیان، معرکه‌گیری و جنگ میان حیوانات، دکه‌ها و سایبان‌ها، گنده‌های مردم و حضور مذموران حکومتی نشان داده شده است. مأخذ: کمپفر، ۱۳۶۱.

این اتاق‌ها، محل اجتماع مردم و مذاکرات دولتی می‌شود، بسیار نفرت و کراهت دارند، برای اینکه از بعضی کنکاش‌ها و فتنه‌جویی‌ها جلوگیری نماید، تدبیری به کار برد و حکم کرد، هر روز صبح قبل از آنکه کسی داخل آن اتاق‌ها بشود یک مُلا به هر اتاقی برود و بنشیند و واردین را به گفتن مسئله و تاریخ و شعر مشغول نماید و این رسم هنوز هم معمول است. مُلا پس از آنکه دو سه ساعت بدین منوال مردم را مشغول می‌کرد، برمی‌خواست و به حاضرین می‌گفت، حالا دیگر وقت کار است و باید دنبال کار رفت؛ بفرمایید تشریف ببرید و مردم فوراً اطاعت کرده بیرون می‌رفتند، در صورتی که قبل از وقت هر یک نیازی هم به مُلا داده بودند» (اشراقی، ۱۳۷۸، ۱۳۴).

این نقل نشان می‌دهد که این میدان هم به دلیل نزدیکی به مقر شاه و هم به دلیل حضور مردم، به لحاظ اجتماعی پتانسیل‌های جهت‌دهی سیاسی مردم را داشته و شاه‌عباس برای جلوگیری از این اتفاق، برنامه‌هایی را در نظر می‌گرفته است.

بنا به نقل مکرر از منابع تاریخی، این میدان محل برگزاری مراسم رسمی همچون جشن نوروز و اعدام‌ها بوده است (هنرفر، ۱۳۶۳، ۲۵ و ۲۶). همچنین کاتف درباره سرگرمی‌های میدان از نمایش‌های گوناگونی نام می‌برد: «علاوه بر جشن‌ها و مراسمات آیینی، عده‌ای طاس‌بازی می‌کنند، خاک

نقش‌جهان حضور داشته‌اند اولاً نظارت حکومت بر عملکرد این اصناف را نشان می‌دهد، ثانیاً درباره این موضوع تذکر می‌دهد که هر یک از این اصناف به استثنای گردانندگان خود و صاحبان مشاغل، ارباب رجوعی از مردم عادی داشته‌اند و ازدحام حضور مراجعین در اطراف این مراکز بسیار بوده است که خود به معنی حضور اقشار مختلف در میدان نقش‌جهان است (تصویر ۴).

کمپفر نیز در سفرنامه خود آورده: «... فضای فوقانی آن دور تا دور میدان [به اتاق‌های کوچکی تقسیم‌شده که به‌عنوان اتاق خواب به هر غریبه‌ای کرایه داده می‌شود. طبقه زیرین آن معبر پیاده‌هاست، اما بیشتر به‌عنوان حجره‌های بزرگ و وسیع برای خرده‌فروش‌ها و پیشه‌ورانی که انواع و اقسام کالا را می‌سازند و می‌فروشند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد» (کمپفر، ۱۳۶۰، ۱۹۳). توصیفات کمپفر بر این دلالت دارد که فضای میدان نقش‌جهان، انحصاری نبوده و مشترکاً در اختیار حکومت و مردم عادی قرار داشته است. این توصیف از این نظر قابل استناد است که یگانه نیست و در کلیه سفرنامه‌های عصر صفوی^۱ به آن اشاراتی شده است.

همچنین تاورنیه در شرحی از سیاست‌های شاه برای کنترل عملکرد مردم در میدان نقش‌جهان می‌نویسد: «شاه‌عباس که پادشاه عاقلی بود ملتفت شد که (متشرعین) از اینکه

میدان با ساختار فضایی شهر، اتصال میدان نقش جهان به ساختار بازار و خیابان چهارباغ (به‌مثابه ستون فقرات ساختار جدید شهری) و توسعه شهر در دو سوی رودخانه زاینده‌رود در سفرنامه سیاحان و تاریخ‌نگاران مورد اشاره قرار گرفته است (شفقی، ۱۳۸۱، ۳۰۲).

جمع‌بندی

براساس آنچه تا کنون گفته شد، زمینه‌های اجتماعی فضای جمعی وابسته به دو دسته عامل کلی است، عوامل اولیه که وابسته به زمان و مقطع تاریخی هستند (وجه تاریخی ساخت هویت اجتماعی) و عوامل ثانویه که به علت‌های زمینه‌ای و کالبدی (شکل‌گیری فضا) می‌پردازند (تصویر ۵).

انطباق این الگو با تاریخ اجتماعی ساخت و علل شکل‌گیری میدان نقش جهان در منابع تاریخی، سفرنامه‌ها و تحلیل‌ها نشان‌دهنده تطبیق نسبی علل سازنده هویت اجتماعی عصر صفوی با عوامل به‌کار بسته‌شده در ساخت میدان نقش جهان است (جدول ۱).

براین مبنا می‌توان ادعا کرد این میدان توانسته ضمن دربرگیری معانی شکلی زمان خود با تخصیص عملکردهای خاص اجتماعی و حکومتی، نقش اساسی در ایجاد اشتراک و پیوند میان اجتماع و حکومت داشته باشد. از سوی دیگر کالبد این میدان نیز نقش واسطه‌ای در برقراری ارتباط میان صورت و معنای مورد لزوم زمانه داشته و فضای جمعی آن ماهیتی بیانگر الزامات فرهنگی و آداب اجتماعی آن دوره در قالب شکل کالبدی خود دارد. در حقیقت در پاسخ پرسش اولیه تحقیق و فرض مطرح‌شده می‌توان گفت شرح فاصله میان تعارضات و مظالم قهرآمیز از زمان ساخت تا برقراری جریان زندگی اجتماعی در این میدان، نشان می‌دهد که حضور هویت اجتماعی در ذهن استفاده‌کنندگان عادی فضا، می‌تواند معنا و کارکرد آن را در بستر زمان استحاله کند و موجبات تفوق نسبی فضا را فراهم کند و به‌طور مشخص این میدان توانست با همراهی عوامل اولیه و ثانویه‌ای که منجر به ایجاد هویت در فضای جمعی می‌شوند، خود را به‌عنوان فضای جمعی با هویت اجتماعی عصر صفوی مطرح کند و جایگزین مناسبی برای فضاهای ماقبل خود بسازد.

نتیجه‌گیری

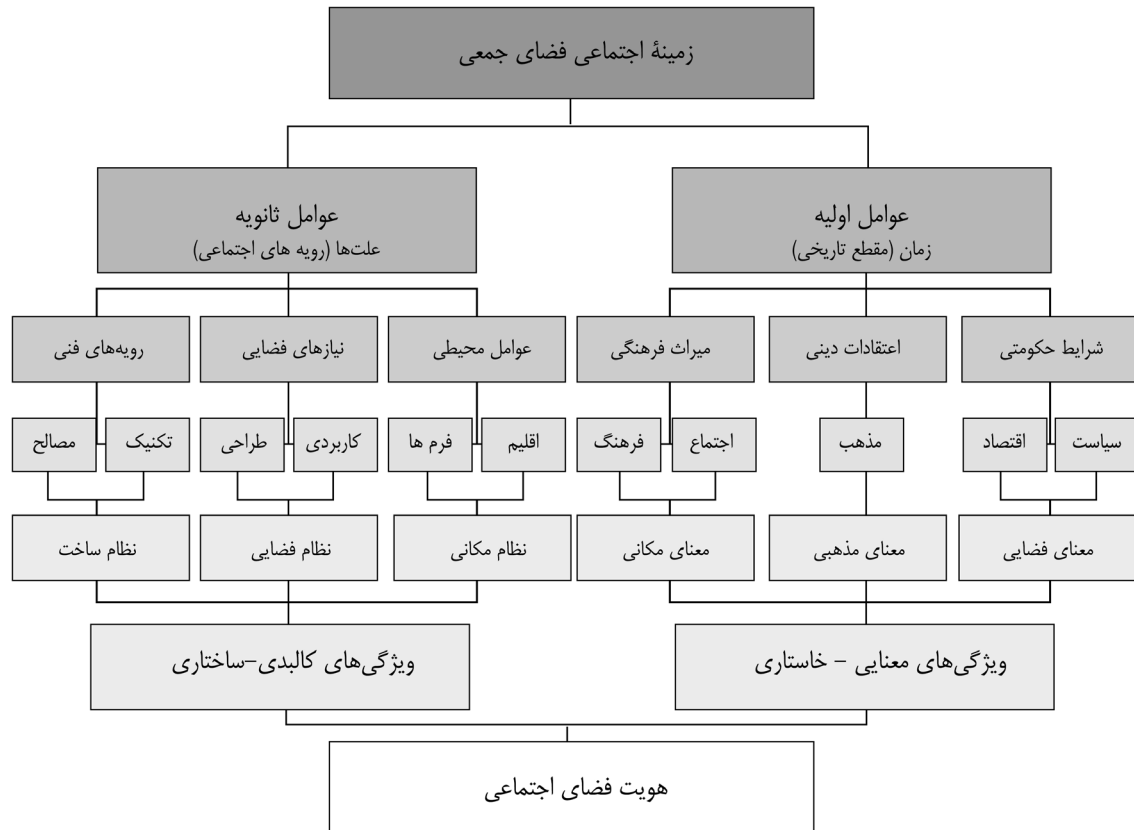
یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر وفاق و انسجام اجتماعی، داشتن احساس تعلق و تعهد بالا به ارزش‌ها و میراث فرهنگی یک جامعه است؛ از این‌رو دولت‌ها در پی شناساندن تاریخ و فرهنگ خود به مردمان سرزمین خود هستند تا از این طریق به یکپارچگی در سطح ملی دست یابند. معماری هر دوره کمابیش معرف هویت مذهبی، فرهنگی،

می‌گسترانند و نی‌هایی را که روی آن چیده‌اند شکل‌های مختلفی می‌دهند، درویشان از روی کتاب‌های خود گذشته و آینده را خبر می‌دهند و فرقه‌های خود را تبلیغ می‌کنند» (همان، ۵۳). تاورنیه درباره سرگرمی‌هایی که داخل میدان انجام می‌شده چند مورد را نام می‌برد. یکی شرطبندی سر جنگ بین حیوانات بوده که اغلب شاه هم به تماشای آن می‌رفته است. یکی دیگر نوعی سرگرمی با تخم‌مرغ بوده و در هنگام شب نیز بعد از شام، دستگاه‌های حقه‌بازی و خیمه‌شب‌بازی در میدان برپا می‌شده است (همان، ۱۳۰). کمپفر از سرگرمی‌های میدان در ضلع شمالی نام می‌برد: «هنرپیشگان، دلقک‌ها، کشتی‌گیرها، شاعران و مردمی سرگردان از این قبیل گرد آمده‌اند. در دسته‌های رنگارنگ در معرکه‌گیری‌ها در قهوه‌خانه‌ها و میخانه‌ها بذله‌گویی و ذوق و هنرمندی ایرانی تماماً در جریان است» (همان، ۲۳۴). توجه به این نکته در سفرنامه‌ها که حضور برخی صرفاً برای سرگرمی و گذران اوقات فراغت است، بیشتر بر نقش اجتماعی میدان نقش جهان صحنه می‌گذارد.

در تحلیل علل شکل‌گیری (ثانویه) هویت اجتماعی میدان نقش جهان و شکل‌گیری فرم اقلیمی کالبدی، بررسی اسناد تصویری برجای‌مانده و توصیف سیاحان از جمله شاردن (۱۳۳۵، ۳۸)، دلاواله (۱۳۷۰، ۳۶-۳۸)، اولتاریوس (۱۳۷۹، ۶۰۶) و کمپفر (۱۳۶۰، ۱۹۴) نشان می‌دهد که در دوره صفویه ایجاد شرایط مناسب اقلیمی از طریق پنج روش در میدان ایجاد شده بود:

۱. گسترش بازار در پیرامون میدان، ۲. محصوریت میدان با استفاده از بدنه‌های رفیع و ابنیه معماری، ۳. استفاده از عناصر طبیعی، آب و درخت در فضای باز میدان، ۴. استفاده از اتاقک‌های نیمه‌باز در فضای باز میدان، ۵. استفاده از عناصر موقت خیمه و خرگاه در فضای باز میدان (شهابی، ایوبی و قلعه‌نویی، ۱۳۹۵، ۷).

همچنین در تبیین نظام ساخت میدان و فضاهای معماری متعلق به آن افروخته‌ای نظنزی (۱۳۵۰) در کتاب «تفاوت‌ها الآثار فی ذکر الاخیار»، از تعیین محدوده ساخت میدان، باغسازی اطراف آن، محصورساختن اولیه و صاف‌کردن پستی و بلندی‌های جداره‌های اولیه و سفیدکردن آن‌ها سخن می‌گوید که نشان‌دهنده پیش‌بینی فنی حاکمیت از توانایی فنی ساخت میدانی در چنین ابعادی بوده است. همچنین تغییر و تحول آرایه‌های به‌کاررفته در ابنیه پیرامون میدان (پیرنیا، ۱۳۸۳، ۲۸۲) و ساخت تدریجی میدان در بازه زمانی حدوداً پنجاه ساله (شهابی نژاد، ۱۳۹۸، ۱۲۶) همچون افزودن طبقه دوم جداره میدان و ساخت تدریجی بنای کاخ عالی‌قاپو (گالدری، ۱۳۶۱، ۱۹) نشان‌دهنده شالوده محکم و استوار اولیه و توانایی فنی ساخت بنای بلندمرتبه بوده است. در خصوص ارتباط



تصویر ۵. نمودار رابطه محورهای سه‌گانه در عصر صفوی و عوامل ثانویه با شکل‌گیری هویت فضای جمعی. مأخذ: نگارندگان.

جدول ۱. بررسی و انطباق عوامل سازنده هویت اجتماعی صفوی با علل و شرایط ساخت فضای جمعی صفوی در میدان نقش جهان براساس منابع تاریخی و تحلیلی. مأخذ: نگارندگان.

| منبع | کلید واژگان ثبت‌شده در منابع | زیرمؤلفه‌ها | مؤلفه‌ها | شکل‌گیری فضای جمعی |
|--|--|-----------------|---------------------------|--------------------------------------|
| کاتف به نقل از هنرفر (۱۳۶۳) | استفاده مشترک مردم و حکومت | اجتماع | هویت ملی و وحدت | شرایط زمانی شکل‌گیری (علل اولیه) |
| کمیفر (۱۳۶۰) هنرفر (۱۳۶۳) | برگزاری مراسم آیینی (عید نوروز) | فرهنگ | سرزمینی (میراث فرهنگی) | |
| تاورنیه (۱۳۳۶) شاردن (۱۳۳۵) | ابنیه مذهبی حول میدان - برگزاری مراسم مذهبی - پاسخگویی به مسائل شرعی | مذهب | وحدت دینی (اعتقادات دینی) | قدرت سیاسی (شرایط حکومتی) |
| مک چسنی (۱۳۷۷) گذار (۱۳۷۵) | رویکرد اقتدارگرایانه ساخت و ارتباط با نهاد بازار | سیاست اقتصاد | | |
| شاردن (۱۳۳۵) کمیفر (۱۳۶۰) اولثاریوس (۱۳۷۹) دلاواله به نقل از هنرفر (۱۳۶۳) | استفاده از عناصر اقلیمی در ایجاد آسایش گسترش بازار و محصوریت میدان - فضای نیمه‌باز - عناصر موقت | اقلیم فرم‌ها | نظام کالبدی (عوامل محیطی) | علل شکل‌گیری - رویکردها (علل ثانویه) |
| گذار (۱۳۷۵) شفقی (۱۳۸۶) | تلاش برای تأسیس پایتخت شاهی قراردهی ساختار جدید شهر ملهم و در برابر ساختار قدیم | کاربری طراحی | ساختار فضایی (نیازها) | |
| افوشته‌ای نطنزی (۱۳۵۰) گالدیری (۱۳۶۱) پیرنیا (۱۳۸۳) | توان فنی ساخت در مقیاس وسیع - تغییر نیارش تغییر آرایه‌ها و ساخت مصالح در حجم و سرعت بالاتر | تکنیک مصالح | نظام ساخت (رویه‌های فنی) | |

ساخت است. فضای جمعی در عصر صفوی علی‌رغم تقابل اجتماعی و تعارض با منافع عمومی در آغاز با به‌کار بستن این مؤلفه‌ها و به استناد شواهد کالبدی، تحلیل عملکرد سیاسی و روایت‌های هم‌عصر با صفویان، فضایی واجد هویت اجتماعی شد که جز در نگاه حاکمان، در دید ساکنان و مخاطبان فضا نیز تعریفی ویژه پیدا کرد.

پیشنهاد

به‌عنوان پیشنهاد نهایی این نکته حائز اهمیت است که فهم فرایند شکل‌گیری هویت اجتماعی معاصر و تحلیل عوامل تفوق فضای جمعی عصر صفوی می‌تواند مقدمه‌ای عملگرایانه برای ساخت فضای جمعی ایران معاصر و متناسب با هویت اجتماعی این عصر را فراهم آورد. فرایندی که نشان می‌دهد بازتولید صحیح هویت اجتماعی در فضای جمعی می‌تواند ضمن تغییر برداشت عموم از فضایی اقتدارگرا آن را به فضایی اجتماعی به‌مثابه محل تحقق حیات عمومی و گفت‌وگوی مردم و حکومت تبدیل کند. این موضوع همان حلقه مفقوده ساخت فضاهای جمعی در ایران معاصر مانند تجربه میدان امام حسین (ع) در تهران است که علی‌رغم صرف هزینه‌های فراوان و حل مسالمت‌آمیزتر تعارضات مالکیتی - به نسبت میدان نقش جهان - به علت عدم توجه در به‌کار بستن مؤلفه‌های معنایی و فناوری ساخت (علل اولیه و ثانویه) فضای جمعی، فرصت تعریف و امتزاج هویت اجتماعی حقیقی جامعه، از دست رفت و با شکست نسبی همراه شد.

اجتماعی، اقتصادی و یا حتی سیاسی آن عصر است. مذهب، اقتصاد و سیاست رابطه تنگاتنگی با یکدیگر دارند و تجلی آن‌ها در هنر متداول‌ترین روش نمایش آن است. صورت‌ها نقش انتقال مفاهیم معماری را بر عهده دارند و ارزش‌ها و اندیشه‌های فرهنگی یک جامعه در آن نمایانند. از این‌رو یک معماری جمعی از دو بُعد قابل مطالعه است: یکی جنبه ظاهری و کالبدی که منتج از نیازها و شرایط محیطی است و دیگری جنبه پنهان و ناملموس یک اثر است که در نگاه اول به چشم نمی‌آید و منتج از شرایط معنایی و اجتماعی است که از کنکاش لایه‌های درونی فرهنگ پدید می‌آید. این دو عواملی هستند که هویت اجتماعی یک جامعه را تشکیل می‌دهند. در این پژوهش تحلیل و بررسی شیوه عمل حکومت صفوی می‌تواند الگویی در برخورد امروزی با مسئله هویت باشد. تشیع به‌عنوان مذهب حاکم بر جامعه عصر صفوی نقش مؤثری در تغییر و ایجاد دیدگاهی جدید در زمینه هنر و معماری ایفا کرد و صفویان توانستند با تکیه بر تشیع از یک‌سو و تعلق به گذشته ایرانی از سوی دیگر، این دو مقوله را به طرز تفکیک‌ناپذیری یکپارچه کنند. در نتیجه، هویت ایرانی جدیدی ارائه شد که با الزامات جامعه ایرانی پسا اسلامی، انطباق داشته و استمرار هویت ایرانی را حاصل کرد. نتایج این وفاق و وحدت ملی از بُعد تاریخ اجتماعی، از دو منظر شرایط زمانی (عوامل اولیه) و علت‌های اجتماعی (عوامل ثانویه) قابل طرح است که از مقطع زمانی شامل سه بُعد مشخص سیاسی، دینی و سرزمینی و از منظر علت‌ها در رویه اجتماعی شامل سه بخش نظام‌مند کالبدی، فضایی و

پی‌نوشت‌ها

تنها اشاره‌ای که به میدان می‌کند در این حد است که آن را محلی برای خریدوفروش مردم معرفی می‌کند: «قصر شاه در مغرب میدان بزرگی قرار دارد که در آنجا مردم به خرید و فروش می‌پردازند» (هنرفر، ۱۳۶۳، ۲۰۴). کاتف روسی کاربری‌های میدان را در زمان شاه‌عباس اول این‌گونه توصیف می‌کند: «در میدان انواع کالاها به‌طور عمده یا خرده‌فروشی دادوستد می‌شود و نیز سبزی‌ها و میوه‌ها چون سیب، هندوانه، خربزه، گلابی، انگور و انواع مختلف دانه‌های گیاهی و دانه‌های روغن‌دار که بر حسب من فروخته می‌شود» (اشراقی، ۱۳۷۸، ۵۳).

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری بابک برخوردار با عنوان «بازآفرینی فضای جمعی معاصر از واکاوی هویت نهفته در بافت تاریخی اصفهان دوره صفوی» است که به راهنمایی دکتر «لبلا زارع» و مشاوره دکتر «سیدمصطفی مختاباد امرئی» در بهمن ماه سال ۱۳۹۸ در دانشکده «هنر و معماری» دانشگاه «آزاد اسلامی واحد تهران غرب» به انجام رسیده است.

۱. تاورنیه، سانسون، کاتف، کمپفر و شاردن به خرید و فروش عمده و جزئی و حضور اصناف با مکان مشخص در میدان نقش جهان اشاره کرده‌اند. سانسون

- اشراقی، فیروز. (۱۳۷۸). *اصفهان از دید سیاحان خارجی*. اصفهان: انتشارات آتروپات.
- افوشته‌ای نطنزی، محمود بن هدایت الله. (۱۳۵۰). *نقاوه الآثار فی ذکر الاخیار* (به اهتمام احسان اشراقی). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اندیشه، هاشم. (۱۳۹۵). مستشرقین و تأثیر آن‌ها بر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در علوم تربیتی و مطالعات رفتاری و آسیب‌های اجتماعی ایران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی.
- اولثاریوس، آدام. (۱۳۷۹). *سفرنامه آدام اولثاریوس* (ترجمه حسین کردبچه). تهران: انتشارات هیرمند.
- باقری بهشتی، شیدا. (۱۳۸۵). *شهرهای جدید شهرهای بدون خارطه*. منتشر شده در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی شهرهای جدید. تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید. ص ۶۱-۶۸.
- برخوردار، بابک؛ زارع، لیلیا و مختاباد امرئی، سیدمصطفی. (۱۳۹۹). واکاوی معیارهای مطلوبیت در فضاهای جمعی اصفهان عصر صفوی، نمونه موردی: فضاهای جمعی بافت تاریخی اصفهان. منظر، ۱۲(۵۰)، ۱۶-۲۷.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۳). *سبک‌شناسی معماری ایرانی* (تدوین غلامحسین معماریان). چاپ اول. تهران: معمار.
- تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۳۶). *سفرنامه تاورنیه* (ترجمه ابوتراب نوری). اصفهان: انتشارات کتابخانه سنائی.
- ترکشوند، عباس؛ جهانبخش، حیدر و کریمی نژاد، مریم. (۱۳۹۶). بازنشاسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری هویت و خارطه جمعی در فضاهای شهری پیرامون پل‌های تاریخی. *معماری و شهرسازی ایران*، ۱۸(۱)، ۵-۱۴.
- ترکمان، احمد؛ قائد، مجتبی و شمتوب، سوگل. (۱۳۹۶). پاتوق، فضای جمعی شهری و معماری و محل تعاملات اجتماعی و فرهنگی (نمونه موردی شهر برازجان). *برنامه‌ریزی شهری*، ۸(۳۱)، ۲۲۵-۲۴۸.
- توبیانی، ابراهیم و الویری، محسن. (۱۳۹۶). واکاوی نسبت هویت سرزمینی و عناصر مشروعیت بخش اجتماعی در اندیشه صفویان. *مطالعات اجتماعی*، ۲(۵)، ۸۹-۱۱۱.
- جنکینز، ریچارد. (۱۳۸۱). *هویت اجتماعی* (ترجمه تورج یاراحمدی). چاپ اول. تهران: نشر شیرازه.
- حافظ نیا، محمدرضا و ولی‌قلی‌زاده، علی. (۱۳۸۶). *دولت صفوی و هویت ایرانی*. *مطالعات ملی*، ۸(۴)، ۳-۲۸.
- حبیبی، سید محسن و سید برنجی، سیده کهربا. (۱۳۹۵). رابطه بین خارطه‌انگیزی و مشارکت اجتماعی در بازآفرینی هویت شهری، نمونه موردی: میدان شهرداری رشت. *معماری و شهرسازی آرمانشهر*، ۱۷(۱)، ۳۲۹-۳۴۲.
- حسنی میان‌رودی، نسیم؛ ماجدی، حمید؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات و زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۶). واکاوی مفهوم خارطه جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه‌شناسی (نمونه موردی میدان حسن آباد). *باغ نظر*، ۱۴(۵۶)، ۱۷-۳۲.
- شفقی، سیروس. (۱۳۸۱). *جغرافیای اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- شفقی، سیروس. (۱۳۸۶). *ساختار و توسعه اصفهان عصر صفویه* (منتشرشده در مجموعه مقالات همایش اصفهان و صفویه). چاپ دوم. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله* (ترجمه شعاع‌الدین شفا). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راپاپورت، ایموس. (۱۳۸۸). *انسان‌شناسی مسکن* (ترجمه خسرو افضلیان). تهران: حرفه هنرمند.
- رنجبر، احسان؛ آرم، زهرا و مارتی کازانواس، میکلا. (۱۳۹۸). *کندوکاوی*
- در ماهیت دگرگونی فضاهای شهری در شهرهای تاریخی ایران، مورد مطالعه: شهر اصفهان. *باغ نظر*، ۱۶(۷۳)، ۴-۲۹.
- زندیه، حسن. (۱۳۹۰). *تاریخ اجتماعی*. *تاریخ اسلام*، ۱۲(۱ و ۲)، ۱۶۱-۱۸۲.
- شاردن، ژان. (۱۳۳۵). *سیاحتنامه شاردن* (ترجمه محمد عباسی). تهران: امیرکبیر.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۴). *عناصر هنر شیعی در کتیبه‌نگاری تیموریان و صفویان*. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- شهبایی، علی؛ ایوبی، رضا و قلعه نویی، محمود. (۱۳۹۵). فضای باز میدان نقش جهان؛ ارزش‌ها و مسئله‌ها. *باغ نظر*، ۱۳(۴۴)، ۵۳-۶۴.
- شهبایی نژاد، علی. (۱۳۹۸). *سیر شکل‌گیری میدان نقش‌جهان اصفهان*. *مطالعات معماری ایران*، ۱۵(۱)، ۱۱۳-۱۳۲.
- طالبی، ژاله. (۱۳۸۳). روابط اجتماعی در فضاهای شهری. *نامه علوم اجتماعی*، ۲۴(۲۴)، ۱۶۱-۱۸۰.
- فلاسکی، محمد منصور. (۱۳۹۲). *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: نشر فضا.
- علم‌الهدایی، پروین. (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر اقلیم بر معماری دوره صفوی با تکیه بر شهر اصفهان*. دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر به ایران* (ترجمه کیکاووس جهاننداری). تهران: خوارزمی.
- گالدیری، اوژنیو. (۱۳۶۱). *عالی‌قاو* (ترجمه عبدالله جبل‌عاملی). تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- گذار، آندره. (۱۳۷۵). *آثار ایران* (ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم). چاپ چهارم. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- گلابچی، محمود و شاهرودی، عباسعلی. (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر تکنولوژی و هویت*. *روزنامه اعتماد ملی*؛ به نقل از پایگاه هنری تبیان، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۹/۸/۱۰، قابل دسترس در: www.Tebyan-zn.ir/Art.html
- متولی، محمد؛ حسن‌بیگی، محمد و حسین‌آبادی فراهانی، شبنم. (۱۳۹۶). *نقش باورهای شیعی در معماری عصر صفوی*. *پژوهش‌نامه تاریخ تشیع*، ۱(۶)، ۷۷-۹۱.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۲). *طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی* (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- محمودی نژاد، هادی. (۱۳۸۸). *فضا و مکان در طراحی شهری*. تهران: انتشارات هله.
- مختارزاده، صفورا؛ قلعه‌نویی، محمود و خیرالدین، رضا. (۱۳۹۷). *کاوش الگوی مفهومی سنجش انسجام فرم و ساختار کالبدی شهر و تبیین اصول آن*. *باغ نظر*، ۱۵(۶۶)، ۶۳-۷۶.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۹۲). *سیری در مبانی نظری معماری* (چاپ هشتم). تهران: انتشارات سروش دانش.
- مک چسنی، آر. دی. (۱۳۷۷). *احداث اصفهان عباسی در متون صفوی* (ترجمه مهرداد محمودزاده). *رواق*، ۱(۱)، ۶۷-۹۳.
- منافی‌لو، ساناز و ستارزاده، داریوش. (۱۳۹۳). *نقش فضاهای شهری در بروز تعاملات اجتماعی با رویکرد هویت جمعی*. اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، انجمن فضای معماری نو ایران، تهران.
- نیکزاد طهرانی، علی اکبر و حمزه، حسین. (۱۳۹۵). *تشیع و تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی*. *شیعه‌پژوهی*، ۲(۶)، ۱۲۵-۱۵۰.
- هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۶۳). *میدان نقش‌جهان*. تهران: انتشارات خوشه.

- Stets, J. E. & Burke, P. J. (2000). Identity theory and social identity theory. *Social Psychology Quarterly*, 63(3), 224-237.
- Turner, J. C. (1999). Some Current Issues in Research on Social Identity and Self Categorization Theory. In N. Ellemers, R. Spears & B. Doosje (eds.), *Social Identity: Context, Commitment, Content*. London: Blackwell Publishers.
- Vugt, V. M. & Hart, M. C. (2004). Social Identity as social clue: The origins of group loyalty. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86(4), 585-598.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

برخوردار، بابک؛ زارع، لیلا و مختاباد امرئی، سیدمصطفی. (۱۴۰۰). بازخوانی نقش هویت اجتماعی در ساخت فضای جمعی (نمونه مورد مطالعه: میدان نقش جهان اصفهان به مثابه فضای جمعی عصر صفوی). *منظر*، ۱۳ (۵۶)، ۳۰-۴۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2021.265457.2108
URL : http://www.manzar-sj.com/article_125250.html

